

پژوهشنامه حج و زیارت

سال هشتم، شماره بیست و سوم

زمستان ۱۴۰۲

صفحات ۷-۳۴

پژوهشی روایی - فقهی درباره موقعیت مکانی حائر حسینی و فرات

سعید سرخی خوزانی،^۱ علی عابدی رنانی^۲ و میلاد غفاری^۳

چکیده

بسیاری از مناسک عبادی مستلزم داشتن یک تصور واضح و منطبق با واقع از موقعیت اماکن مقدس است. از این رو شناخت محدوده این موقعیت‌ها تأثیر به‌سزایی در حکم شرعی دارد. یکی از اماکنی که به دلیل سفارش معصومان احکام ویژه‌ای پیدا کرده، سرزمین کربلاست. برای برخی از اماکن مقدس در این سرزمین، از جمله حائر و فرات، احکام ویژه‌ای مانند تخییر بین قصر و اتمام نمازها در محدوده حائر، استحباب غسل زیارت در فرات و... بیان شده است. در این صورت لازمه تبعیت از این احکام شناخت دقیق محدوده مکانی آنهاست. نویسندگان در این پژوهش با روش تحلیلی و جمع‌آوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای و استفاده از منابع فقهی و روایی به بررسی محدوده حرم، حائر و رود فرات پرداخته و تلاش کرده که بین روایات به ظاهر متعارض درباره محدوده‌های این اماکن مقدس، جمع‌بندی و به قول صحیح دست پیدا کنند.

۱. دانشجوی دکتری رشته کلام و فلسفه اسلامی دانشگاه ایلام، سطح سه حوزه علمیه قم
(saeedsorkhi8@gmail.com)

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی
(liabedi1386@gmail.com)

۳. دانشجوی دکتری دانشگاه امنیت ملی، سطح سه حوزه علمیه قم
(m.mahmoudpour@rch.ac.ir)

از دستاوردهای مهم این پژوهش می‌توان به شناسایی محدوده مکانی حائر (۱۰ الی ۱۲/۵ متر از قبر مطهر)، حرم (تا حدود ۳۵ متر از قبر مطهر) و فرات (آن قسمتی است که از سرزمین کربلا عبور می‌کند) اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها

قبه، حرم، حائر حسینی، فرات، کربلا

مقدمه

در همه ادیان مکان‌های خاصی وجود دارد که از اهمیت و شرافت والایی برخوردارند و بررسی این مکان‌های خاص امتیاز ویژه‌ای دارد؛ به گونه‌ای که رایت، استاد مطالعات قرآنی در این زمینه می‌نویسد: «در کتاب مقدس، جغرافیا و تاریخ چنان به هم آمیخته‌اند که پیام‌های مذهبی بدون درک کاملی از خصوصیات مکانی میسر نمی‌شود». (neuwirth، ۲۰۰۲: ۳۱۲-۲۰۰۲) در جهان اسلام امروزه فراوان تراز گذشته سرزمین کربلا محل توجه و استقبال مؤمنان و متدینان قرار گرفته است و هر ساله شاهد حضور پرشور شیعیان و تمام آزادی‌خواهان جهان در این سرزمین مقدس هستیم. این حضور پرشور و میلیونی زائران برای حوزه‌های علمیه ضرورت تحقیق و پژوهش درباره سرزمین کربلا و روایات مربوط به آن را بیشتر کرده و جا دارد که مراکز پژوهشی علوم اسلامی، توجه بیشتر و عمیق‌تری نسبت به روایات و احکام این مسئله داشته باشند.

بی‌شک یکی از سرزمین‌هایی که در اسلام به آن توجه شده است و به مناسبت‌های مختلف برای آن احکام متعددی ذکر شده، سرزمین کربلاست؛ به دلیل تأکیدهای فراوان در روایات، امتیازها و برکت‌های این سرزمین مقدس برای کمتر کسی پوشیده است؛ با این حال سرزمین کربلا مانند دیگر مناطق زمین تحولات طبیعی بسیاری را پشت سر گذاشته که پیدا کردن موضوعات آن احکام و تعیین محدوده اماکن خاص در این سرزمین را با مشکلاتی همراه کرده است.

از طرفی در روایات و آثار فقها محدوده‌های مختلفی برای این اماکن ذکر شده است که ممکن است باعث سردرگمی زائران شود. بیماری که قصد شفاخواهی از تربت امام حسین علیه السلام دارد، باید آن را از کدام منطقه بردارد؟ شخصی که دنبال بهره‌برداری از آب بابرکت فرات است، آن را باید از کدام محل جست‌وجو کند؟ آیا رودهای منشعب از فرات، همان فضیلت رود فرات را دارد؟ شخص مسافرتا چه منطقه‌ای از حرم امام حسین علیه السلام می‌تواند نماز خود را تمام بخواند؟ سؤال‌های متعددی از این دست ممکن است پیش آید که پاسخ‌دهی درست آنها در گرو نگاه کلی و جمع بین روایات و آرای مختلف فقهاست. بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضرین است که چه دیدگاه‌هایی درباره محدوده مکانی حائر، حرم، قبه و فرات بین محدثین، فقها و روایات وجود دارد، وجه مختار چیست و چگونه می‌توان این دیدگاه‌های متعارض را با هم جمع کرد؟

پیشینه پژوهش

درباره کربلا و تاریخ آن تاکنون آثار متعدد تاریخی و جغرافیایی نوشته شده است؛ مانند: تاریخ کربلا و حائر حسینی تألیف عبدالجواد کلیددار (۱۳۹۰ش) و بخش مربوط به کربلا در موسوعة العتبات المقدسة تألیف جعفر خلیلی (۱۴۰۷ق) که با رویکرد جمع‌آوری اطلاعات به طور عام و فراگیر نوشته شده‌اند و به ذکر اقوال کفایت کرده‌اند.

برخی دیگر از آثار مانند المواقع الاثرية والسیاحة فی کربلا تألیف سلمان هادی آل طعمه (۱۳۹۰ش) و بخش کربلا از کتاب عتبات عالیات عراق تألیف اصغر قائدان (۱۳۹۳ش) نیز با هدف راهنمایی زائران تألیف شده‌اند. در مقاله «کربلا در فرهنگ سوگ شیعی» به قلم سعید طاووسی مسرور (۱۳۹۵ش) به معرفی عمومی کربلا و تاریخ آن با تأکید بر حرم حسینی پرداخته شده است. در کتب روایی مانند کامل الزیارات ابن قولویه صرف روایات زیارت بیان شده و تحلیلی فقهی در آن صورت نگرفته است. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۳۷)

یکی از مطالعات مبسوط و عمیق درباره حدود حائر حسینی مقاله آقای داود حسینی تحت عنوان «حائر حسینی و احکام آن» (۱۳۹۹ش) است. ایشان در این پژوهش به بحث تاریخی و روایی درباره حائر حسینی پرداخته و تعارض اقوال علما و روایات را بر مبنای افضلیت پاسخ داده است؛ به این معنا که میان حدود مختلفی که برای حائر حسینی در اقوال فقها و روایات معرفی شده است، هر چه به مضجع شریف نزدیک شویم افضلیت بیشتر است. ما در پژوهش حاضر هر چند از مبنای افضلیت نیز استفاده کرده ایم و از این جهت موافق مقاله مذکور هستیم، ولی با تفکیک بین دو مفهوم «حائر» و «حرم» نیز تلاش کرده ایم این روایات به ظاهر متعارض را سازگار سازیم. همچنین اگر دستیابی به عدد مشخصی با معیارهای امروزی، که ما در راستای آن تلاش کرده ایم، امکان پذیر باشد کار برای زوار راحت تر خواهد شد. علاوه بر این در پژوهش حاضر محدوده رود فرات نیز بررسی شده است.

در کتب فقهی فقهای متقدم، مانند المبسوط فی فقه الإمامیه شیخ طوسی، فقط به بیان استحباب تمام خواندن نماز در حائر حسینی بسنده شده است. (شیخ طوسی، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۳۸۵) ابن ادریس حلی در کتاب السرائر بعد از بیان مستحب بودن تمام خواندن نماز در حائر حسینی به طور خلاصه می نویسد: «حائر محل شهادت امام حسین علیه السلام و مسجد بالای سرو محلی است که آب برمی گردد». (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۴۲)

محمد حسن نجفی در جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام علاوه بر بیان استحباب تمام خواندن نماز در حائر حسینی در حد یک جمله به محدوده مکانی حائر و نقل قول ابن ادریس اشاره کرده است؛ بدون اینکه تمام روایات را بررسی کرده باشد. (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۱۴، ص ۳۴۰)

از مجموعه تألیفات فقهی، روایی و تاریخی برمی آید که در هیچ یک از نوشته های

حاضر به بررسی دقیق و مکفی موقعیت اماکن خاص، مانند حائر و فرات. به صورت تحلیلی پرداخته نشده است. وجه تمایز این پژوهش با آثار فوق در این است که ما تلاش کرده ایم از طریق تحلیل روایات مربوط به سرزمین کربلا به محدوده اماکن مقدس دست پیدا کنیم و زمینه تأملات دقیق ترفقهی را فراهم سازیم؛ به همین دلیل هدف نگارندگان در این نوشتار شناسایی حدود شرعی موقعیت مکان‌هایی از سرزمین کربلاست که موضوع حکم شرعی قرار گرفته‌اند. با روشن شدن این حدود شرعی و توجه به جمیع روایات در این زمینه، استنباط و فتوای فقها در موضوعاتی، چون قصر و اتمام نماز و...، صائب تر خواهد بود و راهنمای روشنی برای زائران و مکلفان فراهم خواهد شد.

چهارچوب نظری

چهارچوب نظری این تحقیق بر این مبنا استوار است که واژه‌هایی چون «حرم» و «حائر». که موضوع حکم شرعی قرار گرفته‌اند. الفاظی شرعی هستند، نه عرفی؛ بنابراین معنای آنها باید از منظر شرع استخراج شود، نه اینکه به عرف واگذار شود؛ به بیان دیگر معنای این الفاظ به «وضع تعینی» وضع شده است.

وضع تعینی مقابل وضع تعیینی و به این معناست که در این وضع، واضح معینی در کار نیست، بلکه ابتدا لفظ با قرینه در غیر معنای موضوع له خود به صورت مجاز استعمال می‌شود، اما در گذر زمان و بر اثر کثرت استعمال بدون آن قرینه، همان معنای دوم (معنای مجازی) از آن فهمیده می‌شود (حکیم، ۱۴۳۴ق، ج ۱، ص ۱۸۹)؛ مثلاً پیامبر ﷺ لفظ صلاة را، که در زبان عرب برای مطلق دعا و عبادت وضع شده، در معنای عبادتی ویژه با مقدمات و مقارنات و ارکان مخصوصی (نماز) به کار برده است یا لفظ صوم را، که به معنای امساک و خودداری به طور مطلق بوده، در معنای خودداری و امساک معین و مقرون به نیت و با شرایطی خاص (روزه) استفاده کرده است و بقیه

مسلمانان بعدها آن را در معنای جدید به کار می‌برند، گرچه در گذشته معنای دیگری داشته است. ولی اگر لفظ بر همان معنای لغوی خود باقی بماند گفته می‌شود که شارع معنای عرفی را به انضمام پاره‌ای از شروط و قیود شرعی، موضوع دلیل خود قرار داده است که در هر دو صورت، لفظ به معنای شرعی موضوع قرار گرفته است. در جایی که شارع مقصود خود را به طور خاص بیان نکند، الفاظ موضوعات بر معنای عرفی حمل می‌شوند. (کاشف الغطاء، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۵۰)

لفظ حرم و مانند آن همانند الفاظ صلاة و روزه و... الفاظ منقول شرعی هستند؛ چون لفظ حرم قبلاً به معنای اهل و عیال یک شخص یا محل اقامتشان، که آنها را از تعرض دیگران حفظ می‌کند، کاربرد داشته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۴۳) ولی در متون اسلامی این واژه‌ها به وضع حقیقت شرعی تبدیل شده است و بیشتر در معنای گرداگرد اماکن مقدس به کار می‌رود که ورود و حضور در آنها آداب ویژه‌ای دارد. بنابراین وقتی در روایات معصومین و کلمات فقها برای اماکن خاص سرزمین کربلا احکام متعددی (مانند استحباب یا وجوب تمام خواندن نماز در حائر حسینی یا استحباب غسل زیارت در آب فرات) بیان شده است، مراد همان مکان‌های مخصوص در اطراف اماکن مقدس است.

موقعیت مکان‌های خاص کربلا

۱. موقعیت مکانی حائر حسینی

امروزه فقط به قبر مطهر سیدالشهداء علیه السلام و اطراف آن حائر گفته می‌شود، اما با بررسی تاریخی این واژه به این نتیجه می‌توان رسید که یکی از اسامی سرزمین کربلا «حائر» و «حیر» بوده است که از آغاز بر این محل اطلاق شده است. حتی زمانی کاربرد اسم حائر برای این سرزمین، بیشتر از کربلا رواج داشته؛ به همین دلیل به کسی که منسوب به این سرزمین بوده «حائری» گفته شده است. (کلیددار، ۱۳۹۰ش، ص ۶۸-۶۹) حموی

در معجم البلدان می‌گوید: «حائر، قبر امام حسین علیه السلام است»؛ سپس می‌گوید: «مردم هنگامی که شهر کربلا را در نظر می‌گیرند به آن حیر می‌گویند، بدون اینکه چیزی بر آن بیفزایند». (یاقوت حموی، ۱۹۹۵م، ج ۳، ص ۲۰۳)

هر چند غرض از واژه حائر، کربلا و اطراف قبر مطهر سیدالشهداست، ولی این واژه اختصاص به این مکان ندارد و به مکان‌های دیگر نیز اطلاق شده است. حموی در معجم البلدان از «حائر مَلْهَم» در یمامه و «حائر حجاج» در بصره نام می‌برد. (همانجا)

چنانچه اشاره شد، حائر در معانی متعددی استعمال شده است، اما در گذشته اطلاق واژه حائربه شهر کربلا اصطلاحی رایج بوده است. مراد از واژه حائر در این نوشتار عنوان رایج امروزی است که به منطقه‌ای محدود در اطراف قبر مطهر حضرت سیدالشهداء علیه السلام گفته می‌شود. در روایات عناوین قبه، حائر و حرم با یکدیگر تفاوت دارند و هر کدام از این عناوین به مکانی خاص اطلاق می‌شده است؛ به گونه‌ای که برای هر کدام از این محل‌ها احکام و اعمال خاصی ذکر شده است.

در خصوص تعیین حدود و مساحت حائر می‌توان به روایات رجوع کرد. هر چند روایات در این باب اختلاف‌هایی با یکدیگر دارند، ولی چنین به نظر می‌آید که روایات، تنها منبع قابل اطمینان در این زمینه باشد؛ به این دلیل که مورخان به طور طبیعی دقت محدثان و فقیهان را در این زمینه نداشته‌اند. محدثان و فقیهان این محل را موضوع احکام شرعی، مانند جواز تمام خواندن نماز و... می‌دانستند، بنابراین دقت بالایی به خرج می‌دادند. میان فقها (رضوان الله تعالی علیهم) چند قول درباره محدوده حائر وجود دارد:

۱. تنها به اطراف ضریح مطهر سیدالشهداء علیه السلام، حائر گفته می‌شود. (یزدی، ۱۴۱۹ق،

ج ۳، ص ۵۱۷)

۲. تنها به قبه مقدسه حائر گویند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۶، ص ۸۹)

۳. ۲۴ ذراع^۱ از اطراف قبر مطهر حائراست. (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۱۷)
۴. پیرامون قبر مطهر به مساحت ۲۵ ذراع حائراست. (همانجا)
۵. به تمام روضه منوره حضرت سیدالشهدا علیه السلام حائرمی گویند. بنابراین از سمت سر مقدس تا شبکه های متصل به رواق و از طرف پای مقدس به در متصل به سوی رواق و از پشت تا مرز مسجد بالای سررا شامل می شود. (خمینی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۲۶۴)
۶. محدوده ای که دیوار روضه شریف و مسجد بالای سر بر آن احاطه دارد، حائراست. (ابن ادريس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۴۲)
۷. حرم امام حسین علیه السلام به همراه صحن قدیم ایشان حائراست (پیش از توسعه حرم در زمان حکومت صفویه). (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۶، ص ۸۹)
۸. پنج فرسخ از چهار طرف قبر مطهر حائراست. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۲۷۲)
- نگارندگان این پژوهش روایتی که در آن علاوه بر وجود لفظ حائر محدوده آن را مشخص کرده باشد پیدا نکرده اند؛^۲ ولی برخی محدثان محدوده حائرا را با توجه به دو دسته روایاتی که با محدوده ای نزدیک و مساحتی دورتر از قبر مطهر امام حسین علیه السلام وارد شده است، فهمیده اند. (همان، ۱۳۵۶ق، ص ۲۷۱) البته ممکن است اقوال دیگری که حائرا را زیر قبه مقدسه، روضه منوره، حرم مطهر و... می دانند، دلیلشان صدق عرفی این
-
۱. میان اعراب قبل از ظهور اسلام و همچنین در زمان پیدایش اسلام واحد ذراع به عنوان واحدی برای اندازه گیری به کار می رفته است. (ابویعلی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۷۳-۱۷۴). در آیه ۳۲ سوره مبارکه حاقه، ذراع به عنوان واحد اندازه گیری طول آمده است. اندازه ذراع، فاصله میان آرنج تا انتهای انگشت میانی در انسان معتدل در خلقت و قامت است. این مقدار را ۲۴ انگشت گفته اند. (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴، ص ۱۹۸) اندازه آن بنا بر معیارهای رایج امروزی ۴۹،۳۳ یا ۴۹،۸۷۵ یا ۵۰ سانتی متر است. (ابن إخوة، ۱۴۱۴ق، ص ۱۵۱)
۲. عن أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ فِي طِينِ الْحَائِرِ الَّذِي فِيهِ الْحُسَيْنُ عليه السلام شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانٌ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ. (ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۷۱-۲۷۲)

کلمه براین محدوده باشد. در اینجا به این دو دسته از روایات اشاره می‌کنیم:

دسته اول: این دسته از روایات منطقه‌ای محدود را به عنوان حائر حسینی معرفی کرده است.

اندازه حائر بنا بر روایتی صحیح^۱ از امام صادق علیه السلام، بیست ذراع در بیست ذراع نقل شده است.

راوی می‌گوید شنیدم که امام صادق علیه السلام می‌فرمودند: «قبر حسین علیه السلام به مساحت بیست ذراع در بیست ذراع، باغی از باغ‌های بهشت است». (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۲۷۲)

همچنین در روایت صحیح دیگری ۲۵ ذراع در ۲۵ ذراع معرفی شده است.

از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند: «برای قبر حسین بن علی علیه السلام حریم معلومی است؛ کسی که آن را بداند و به آن پناهنده شود، پناه داده می‌شود». محضرش عرضه داشتم: فدایت شوم! مکان حریم قبر را برای من بیان فرمایید. حضرت فرمودند:

«از مکانی که امروز قبر آنجاست، این طور ارزیابی کن: در هریک از جوانب چهارگانه (از جانب پا و جلو و پشت و بالا سر) ۲۵ ذراع اندازه بگیر و مساحتی که از ملاحظه آن به دست می‌آید، حریم قبر است و مکان قبر از روزی که

۱. برای ارزیابی و اعتبارسنجی روایات از نرم افزار درایة النور^۲ (تهیه شده در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی) استفاده شده است.

۲. طبق مبنایی تمام روایانی که نامشان در کتاب کامل الزیارات آمده است، (اعم از مشایخ مستقیم و با واسطه مؤلف آن) موثق هستند و نیازی به تحقیق و جست و جوی بیش از آن نیست. از طرفداران این نظریه می‌توان به مرحوم شیخ حرعاملی و آیت الله خویی اشاره کرد. آیت الله خویی می‌نویسد: «تمام کسانی را که در اسناد کامل الزیارات قرار بگیرند ثقه می‌دانیم؛ زیرا جعفر بن قولویه در ابتدای کتابش نوشته است، آنچه را از طریق اصحاب ثقه به دست رسیده است نقل می‌کنم». (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵۰)

حضرت در آن دفن شدند، باغی از باغ‌های بهشت است». (همانجا)

به نظر نگارندگان ممکن است وجه اختلاف مساحت‌ها در این ناحیه، بیان افضلیت مکان نزدیک تر به قبر مطهر باشد (حسینی، ۱۳۹۹ش، ص ۱۹-۴۸)؛ به این معنا که در صورت دسترسی، محدوده متبرک بیست ذراع و در صورت عدم دسترسی به دلیل ازدحام یا مانند آن، ۲۵ ذراع باشد یا اینکه بگوییم روایات دسته اول در بیان محدوده قبر مطهر امام حسین علیه السلام به اندازه بیست ذراع است که علاوه بر قبر مطهر شامل محل دفن حضرت علی اکبر علیه السلام و گودی قتلگاه نیز می‌شود و روایات دسته دوم در بیان حریم و محدوده اطراف قبر، که باید رعایت آداب زیارت از آنجا شروع شود، تا فاصله ۲۵ ذراع است؛ چه دسترسی ممکن باشد و چه نباشد.

دسته دوم: این دسته از روایات منطقه‌ای وسیع‌تر از دسته بالا را حائرمی‌داند؛ این روایات، که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، عبارتند از:

- حرمت قبرسیدالشهدا علیه السلام یک فرسخ در یک فرسخ از چهار جانب است». (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۲۷۱-۲۷۲) (روایات صحیح)
- حریم قبر امام حسین علیه السلام پنج فرسخ از چهار جانب قبر است. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۲۷۲) (روایت مرسل)
- خاک تربت حسین بن علی علیه السلام تا ده میل است. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۷۲۹)

- حضرت فرمودند:

همانا حرم امام حسین علیه السلام، که آن را حضرت خریدند، چهار میل در چهار میل است. آن برای فرزندان و دوستان حضرت حلال و برای غیر ایشان از مخالفین حرام است و در آن سرزمین برکت وجود دارد. (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۳۲۱) (روایت صحیح)

- از خاک قبر امام حسین علیه السلام از نزد قبر تا مساحت هفتاد ذراع به عنوان تبرک

برداشته می شود. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۸۸) (روایت صحیح)

نظر برگزیده

برخی محدثان تمام روایات ذکر شده را در عنوان حائر جمع آوری کرده اند (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۲۷۱)، اما همان طور که از اختلاف اندازه ها و لفظ روایات روشن است، روایات دسته اول باید در معنای حائر و روایات دسته دوم را، همان گونه که در برخی از آنها لفظ حرم آمده است، باید به معنای مشخص کردن اندازه حرم و مکانی غیر از حائر حمل شود که در ادامه به تفاوت حائر و حرم اشاره خواهد شد.

این نظریه دیدگاه ابن ادریس نزدیک است. ابن ادریس حلی می گوید: «طبق روایات، به دیوارهای حرم و مسجد بالای سر حائر اطلاق می شود» (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۴۲) وی به معنای لغوی حائر اشاره کرده و می فرماید: «حائر جایگاه محکمی است که آب در آن حیران می شود».^۱ او معنای لغوی حائر را مؤید نظر خود می گیرد. (همانجا) باتوجه به این فرمایش و شواهدی که از عدم انحصار لفظ حائر به حائر حسینی در تاریخ آمده است و در بالا به آن ذکر شد، به نظر می آید که حائر، در علم معماری و فن ساختمان سازی اصطلاحی برای مکان محصور و نفوذناپذیر است. (کلیددار، ۱۳۹۰ش، ص ۵۵) این لغت و اصطلاح می تواند برای هر ساختمانی که چنین ویژگی ای را داشته باشد به کار رود؛ طبعاً در چنین فضایی آب به بیرون راه پیدا نمی کند و سرگردان شده و به دور خود می چرخد.

شهید اول لغت حائر را به آب بستن در زمان متوکل مربوط می کند. طبق سخن ایشان آب به آن ناحیه وارد نشده است و پیرامون آن چرخیده است. (شهید اول، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۹۱) از نظر نگارندگان، این کلام قابل خدشه است. هر چند ایشان منکر این حادثه و کرامت از آن ناحیه مقدس نیستند؛ ولی دلیل نام گذاری آن مکان مقدس به احتمال

۱. لأنَّ الحائر في لسان العرب، الموضوع المظمن الذي يحار الماء.

زیاد چنین اتفاقی نمی تواند باشد. دلیل نگارندگان روایات صحیحی از امام صادق علیه السلام است که حضرت این مکان را حائرنام گذاری کرده اند^۱ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۲۷۱)، در حالی که اقدام شنیع متوکل بعد از امام صادق علیه السلام و به تاریخ ۲۴۶ قمری ضبط شده است. (طبری، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۱۸۵).

پیروی از دیدگاه ابن ادریس با توجه به پیشینه و نزدیکی وی به زمان صدور روایات، نسبت به گفته متأخرین از ایشان نیکوتر است. چنانچه گفته ایشان را قبول کنیم، حائر شامل قسمت هایی از روضه منوره و قسمتی از مسجد امروزی نمی شود. این دیدگاه با مساحتی که امام صادق علیه السلام (به میزان ۲۰ یا ۲۵ ذراع از چهار طرف قبر مطهر) تعیین فرمودند، منطبق می شود که بنا بر معیارهای رایج امروزی، حدود ۱۰ یا ۱۲٫۵ متر از اطراف قبر مطهر خواهد بود.

ابن ادریس در ادامه کلام خود محدوده حائراز دیوار شهر کربلا را نفی کرده است. (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۴۲) به دلالت التزامی برداشت می شود که در آن زمان این مسئله مطرح بوده و کلام ابن ادریس در پاسخ به سؤال مقدر بوده است. وی میان واژه «حائر» و «حیر» تفاوت قائل شده است. بنابراین می توان به اقوال بالا در محدوده حائر، قول دیگری، که حائرا تمام شهر کربلا می داند، نیز اضافه کرد.

برخی بزرگان حدیث در بیان محدوده حائرا با توجه به روایات (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۲۷۱-۲۷۲) مساحت هایی را ذکر کرده اند که به نظر می آید دلیل آن خلط میان محدوده حرم و حائرا باشد. با تفکیک روایات میان محدوده حرم و حائر، می توان به فهمی درست برای مساحت حائر رسید.

به دلیل روایاتی که از امام صادق علیه السلام در این زمینه وجود دارد و در آن لفظ حائربه

۱. عن أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: «إِنَّ فِي طِينِ الْحَائِرِ الَّذِي فِيهِ الْحُسَيْنُ عليه السلام شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ» (كامل الزيارات،

کاررفته است (همانجا)، روشن می‌شود که این مکان مقدس در آن زمان وجود داشته است. طبعاً در آن دوره ساختمان اطراف قبر مطهر مکانی محدود و با مقیاسی کوچک بوده است و روایاتی که آن محدوده را توسعه داده است، بر مکانی دیگر حمل خواهد شد که با کمک روایات دیگر متوجه می‌شویم آن محدوده مقدس، محدوده حرم امام حسین علیه السلام است.

ممکن است پرسیده شود: دلیل اختلاف مساحت‌ها در محدوده حرم چیست؟ که در قسمت بعد به آن جواب خواهیم داد.

۲. موقعیت مکانی حرم حسینی

برای روشن شدن مسئله ابتدا به بررسی لغوی واژه حرم می‌پردازیم. با جست‌وجوی واژه حرم در کتب لغت، به معانی متعددی می‌رسیم. لسان العرب آورده است: «حرم به معنای عیال و خانواده انسان یا محل سکونت آنهاست که شخص، ایشان را از تعرض غریبه‌ها محافظت می‌نماید». (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۴۳) زبیدی در تاج العروس می‌گوید: «در مباحث دینی واژه حرم بیشتر در خصوص محلی که پیرامون مکان‌های مقدس وجود دارد گفته می‌شود که معمولاً برای ورود در آنها دستورات خاصی در شرع مقدس آورده شده است». (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۳۱، ص ۴۵۳) عده‌ای نیز وجه تسمیه حرم در مشاهد مشرفه را به جهت واجب‌الاحترام بودن آن اماکن یا حرمت برخی کارها می‌دانند. (کردی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۰۱)

از مجموع اقوال ذکر شده روشن می‌شود که منظور از حرم محلی است که دارای حریم و احترام خاص است. اطراف قبور مطهر اهل بیت علیهم السلام یا امامزادگان و افراد واجب‌الاحترام را نیز به این جهت حرم می‌گویند که دارای احترام و آداب خاص است. محلی که در منابع روایی به عنوان حرم یاد می‌شود، همان‌طور که از لغت برداشت می‌شود، جایی است که به دلیل قداست آن محل، احترام دارد و مکانی امن برای دیگران و دارای امنیت است.

برای قبر مطهر امام حسین علیه السلام نیز در روایات به طور ویژه از محلی به عنوان حرم یاد کرده اند که شایسته است شیعیان نسبت به ساحت مقدس امام معصوم علیه السلام در این مکان ادب و احترام را رعایت کنند و با توجه و حضور قلب در این مکان مقدس حاضر شوند. امام صادق علیه السلام توصیه کرده اند که هنگام زیارت سیدالشهدا علیه السلام برای تأسی به فرشتگان حاضر در حرم مطهر آن امام علیه السلام، شایسته است زائر سکوت را مراعات کند و جز خیر و نیکی بر زبان جاری نسازد. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳ ش، ج ۱، ص ۱۵۹) این محل با وسعتی زیاد شامل حکم های شرعی حائر حسینی، مانند تمام و قصر خواندن نماز، در حدیث و فقه نمی شود.

۳. نسبت حائر با قبه سیدالشهدا علیه السلام

در این بخش دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که آیا می توان محدوده ای برای قبه مبارکه تعیین کرد؟ در صورت امکان نسبت میان محدوده قبه با حائر حسینی چیست؟ در احادیث شیعه علاوه بر محل های حائر، حرم و قبر سیدالشهدا علیه السلام از محل دیگری به نام «قبه» نام برده شده است. در روایاتی از امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله از این محل به نام «قبه الإسلام» یاد شده است. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ق، ص ۲۶۹) با توجه به اینکه در عالم اسلام در سرزمین کربلا محل دیگری به اهمیت و ارزش قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام وجود ندارد، بی تردید این تعبیر در سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آن محل معنوی گفته شده است.

برای بررسی معنا و مشخص شدن محل این مکان مقدس، ابتدا به جست و جوی لغوی واژه قبه می پردازیم:

در کتاب الطراز الأول نقل شده است که قبه در اکثر کتب لغت به معنای «بیت مدور (خانه دایره ای شکل) ترجمه شده است. (مدنی، ۱۳۸۴ ش، ج ۲، ص ۳۷۳) ازهری در تهذیب اللغة ابن سیده در المحکم والمحیط الأعظم و مهنا در لسان اللسان قبه

را به معنای «بنا» گرفته‌اند. (أزهري، ۱۴۲۱ق، ج ۸، ص ۲۴۰، ابن سیده، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۱۴۲، مهنا، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۴۷) همچنین علامه طباطبایی در تفسیر المیزان بنا بر شهادت اهل لغت کلمه «بنا» در آیه ۶۴ سوره مبارکه غافر را معادل و به معنای «قبه» ذکر کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۷، ص ۵۲۳) ابن منظور در لسان العرب درباره واژه «قبه» می‌نویسد: «قبه خانه کوچک دایره‌ای شکل است». (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۶۵۹)

کلینی در کتاب کافی درباره حرمت یا عدم حرمت سایه بان برای حج‌گزاران روایتی را نقل می‌کند که در آن روایت، وجود قبه را در حج برای زنان و کودکان بدون اشکال می‌داند. در این نقل قبه به معنای مطلق سایه بان استعمال شده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۴۲۳)

با توجه به نقل کتاب طراز الأول، نقل ابن منظور و روایت شریف کافی (که قبه را بر خیمه کوچکی که مدور باشد و مطلق سایه بان نیز استعمال کرده‌اند) به نظر می‌رسد جمع‌بندی میان اقوالی که ذکر شد این نتیجه را برساند که قبه لزوماً به معنای گنبد و بارگاهی که امروزه مرسوم بوده نیست و محلی که بالای آن مدور و به منظور سایه انداختن روی چیزی باشد نیز قبه است و داشتن بنا و ساختمان مرسوم امروزی درباره قبه موضوعیت ندارد.

در منابع روایی نیز احادیث متعددی ناظر به قبه سیدالشهدا علیه السلام وارد شده است؛ مثلاً در زیارات مأثور از اهل بیت علیهم السلام، مانند زیارت ناحیه مقدسه، به مسئله مستجاب شدن دعا در محدوده قبه امام حسین علیه السلام اشاره شده است. این زیارت، که از زیارات مطلقه سیدالشهدا علیه السلام است، در روز عاشورا و غیر عاشورا خوانده می‌شود. مرحوم مجلسی این زیارت را از مفید، مرتضی و ابن مشهدی نقل می‌کنند و پس از ذکر فرمایش مؤلف المراز الکبیر در خصوص ورود این زیارت از جانب امام زمان علیه السلام می‌گوید: «والأظهر أن

هذه الزيارة منقولة مروية». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۸، ص ۳۱۸) این عبارت مجلسی بر اعتبار این زیارت می افزاید. در فرازی از این زیارت مبارکه چنین آمده است:

سلام بر حسینی که خون قلبش را بخشید. سلام بر کسی که خداوند را در آشکار و نهان اطاعت کرد. سلام بر کسی که خداوند شفا را در خاک قبر او قرار داد. سلام بر کسی که اجابت دعا زیر قبه او قرار داده شد. سلام بر کسی که ائمه از ذریه او هستند. (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۴۹۷)

به نظر می رسد با مباحث گذشته در این گفتار پاسخ به این سؤال نیز داده شد و آن اینکه طبیعتاً در زمان های گذشته، گنبد و بارگاه امروزی در بالای قبرایی عبدالله علیه السلام وجود نداشته است؛ بنا بر این روایات، قبه به چه معنایی باید حمل شود تا معنای درستی پیدا کند!

جواب کامل تر اینکه هرچند تا مدت ها بعد از دفن بدن مبارک سیدالشهدا علیه السلام بالای قبر مطهر، بارگاه و ساختمانی نبوده است، ولی گویا بعد از شهادت حضرت حسین علیه السلام قبر مطهر ایشان نشانه و شاخصه ای روشن و واضح داشته است که این مسئله در زیارت های اولیه، از جمله زیارت معروف جابر بن عبدالله انصاری در روزاربعین مشهود است. همچنین با توجه به معنای قبه، که از لغت برداشت شد، به نظر می رسد بعد از دفن بدن مطهر سیدالشهدا علیه السلام، این قبه با فاصله زمانی کوتاهی شکل گرفته است. قطعاً مشخص بودن یک قبر و اجتماع مردم، همراه با یک سایه بان همراه خواهد بود و همین مقدار از بنا معنای قبه را می رساند و تمام روایاتی که در خصوص قبه گفته شده است را شامل می شود. محدوده این محل مبارک قطعاً نباید فضای وسیعی از حرم مطهر را شامل شود و نمی توان آن را شامل صحن های وسیع امروزی دانست. به نظر می آید با توجه به کوچک بودن محدوده قبر اولیه و وجود سایه بان برای آن، محدوده قبه از محدوده مختار درباره حائر حسینی، که محلی کمتر از پانزده متر اطراف قبر مطهر را شامل می شود، کوچک تر خواهد بود و تنها محل اطراف قبر مطهر سیدالشهدا علیه السلام را فرا خواهد گرفت. بنابراین محدوده

اطراف قبر مطهر در روایات به ترتیب از کوچک به بزرگ چنین خواهد بود: قبه، حائر و حرم. البته ممکن است گفته شود: اگرچه در زمان صدور روایات مراد از قبه، سایبانی بوده که بر قبر مطهر آن حضرت برای نشانه و شاخصی روشن بنا شده است و قطعاً محدوده آن کوچک تر از محدوده حرم و شاید حائر بوده، اما می توان با توجه به توسعه حرم شریف با الغای خصوصیت از این روایات چنین برداشت کرد که در هر زمان هر محدوده ای شامل بارگاه امام حسین علیه السلام شود، همان محدوده حرم مطهر است، قبه محسوب می شود و محل اجابت دعاست. اما عده ای از فقها در ترتیب حکم خاص به این مکان های توسعه یافته تردید کرده اند و به لزوم انجام دادن اعمال، ولو از باب احتیاط، در محل قدیم حکم می کنند. (ساجدی، ۱۴۰۱ ش، ص ۹)

نتیجه این تعیین موقعیت مکانی در جایی مشخص می شود که ممکن است با توجه به روایات متعددی که درباره تعیین محدوده این مکان مقدس وارد شده است در حکم به زیادی این محدوده، افزون بر آنچه بیان شد، برای تقیه شک حاصل شود. به حسب قاعده، زمانی که دلیل عامی داشته باشیم و یک دلیل خاص و آن دلیل خاص در شبهه مفهومیه مردد بین اقل و اکثر باشد، اخذ به قدر متیقن کرده و در محل مشکوک به دلیل عام مراجعه می کنیم. (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۳۶) در اینجا نیز هنگام شک در محدوده حائر، میان آنچه به عنوان نظر مختار بیان شد و محدوده بیشتر از آن، به قدر متیقن (محدوده برگزیده) اخذ نموده و برای نماز خواندن در بیرون از آن محیط ذکر شده، در عمل به عموماًت وجوب تقصیر نماز مسافر در غیر معلوم التخصیص مراجعه می کنیم و نماز را قصر می خوانیم.

موقعیت مکانی فرات

در روایات اهل بیت علیهم السلام فرات جایگاه ویژه ای داشته و یکی از دورود با ایمان معرفی شده است. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ق، ص ۵۰) علامه مجلسی درباره ایمان آب فرات

می‌گویند: «به خاطر قطراتی از آب بهشت است که در آن می‌ریزند». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۲۸) فرات در غرب عراق و از دو شاخه «قره سو» و «مرادچای» منشعب شده است. فرات به رودخانه بزرگ عراق (دجله) نزدیک می‌شود؛ ولی دجله به طرف جنوب شرقی تغییر جهت داده و رود فرات به سوی غرب می‌رود. دجله و فرات، که سرچشمه حیات منطقه بین‌النهرین است، در نزدیک خلیج فارس به هم می‌رسند و بعد از آن، نام «شط العرب» یا «اروند رود» می‌گیرند و به خلیج فارس می‌ریزد. زمینی را که بین این دو رود قرار دارد، «الجزیره» و «جزائر» گفته می‌شود. (حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۴۴۲)

در منابع تاریخی از شاخه‌های متعددی، با نام‌های نهرین کربلا، علقمیی، نینوا، نهر غازانی و نهر سلیمانیه، از این رود نام برده شده است. (طبری، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۰۲) در ادامه به این مطلب خواهیم پرداخت که احکام و فضیلت‌هایی که برای فرات وجود دارد، مانند فضیلت غسل کردن در آن و... آیا برای سایر نهرهای منشعب از فرات نیز وجود دارد؟

تعیین حدود شرعی رود فرات

بعد از موضوع شناسی شرعی رود فرات و یافتن متعلق فضائل و احکام متعددی که برای این رود گفته شده است، باید به پرسش‌ها پاسخ داد:

- آیا برای حمل احکام این رود، می‌توان به محدوده مکانی و جغرافیایی بیان شده تکیه کرد؟

- آیا می‌توان تمام فضیلت‌ها و احکامی که برای رود فرات بیان شده است را برای تمام مسیر این رود قائل شد یا فقط به قسمتی اختصاص دارد که از کشور عراق عبور می‌کند؟

- آیا رودهای متعددی که از نهر فرات منشعب می‌شود نیز همان احکام آب فرات را دارند؟

ممکن است در جواب به این سؤال‌ها ادعا شود: در روایاتی که احکام و امتیازات این رود را بیان کرده‌اند، اطلاق لفظی دیده می‌شود؛ یعنی شمول مفهومی که از لفظ فرات و به کمک مقدمات حکمت^۱ به دست می‌آید، تمامی افراد طبیعت آن را در برمی‌گیرد. (حکیم، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۲۱) در نتیجه به این مطلب می‌رسیم که آب فرات به مکان خاصی محدود نشده و تمام مسیر این رود و حتی شعبه‌هایی که از این رود سرچشمه می‌گیرند، مشمول احکام آب فرات می‌شوند؛ برای نمونه حضرت علی ع می‌فرماید: «آقای آب‌ها در دنیا و آخرت فرات است». (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۴۸) بر اساس اطلاق لفظی در روایت اگر تردید شود صورت ذهنی رود فرات در ذهن متکلم «تمام موضوع» برای حکم اوست یا قید یا حیثیت دیگری نیز در تعلق حکم به آن دخالت دارد که متکلم در کلام خود آن را ذکر نکرده است، در این صورت مقتضای اجرای مقدمات حکمت تمسک به اطلاق لفظی است؛ در نتیجه احکام آب فرات شامل تمام مسیر این رود خواهد شد.

در جواب این ادعا می‌گوییم هرچند در نگاه ابتدایی می‌توان به اطلاق لفظی تمسک کرد و گفت که تمام مسیر این رود مشمول احکام آب فرات می‌شود، اما به نظر می‌آید تبادری که از آب فرات در اذهان وجود دارد (آنچه از آب در ذهن مردم فرات شکل گرفته) ذهن را به محدوده کربلا منصرف می‌کند؛ در نتیجه قرینه‌ای برخلاف این نظر است و اطلاق ادعایی را ثابت نمی‌کند و مانع از اطلاق‌گیری در اینجا می‌شود.

نزدیکی وقایع عاشورا با قسمتی از این رود باعث شده است آنچه از آب فرات به ذهن

۱. مقصود از مقدمات حکمت جمع شدن چند شرط است که با وجود آنها می‌توان گفت: «مطلق» دلالت بر «اطلاق» می‌کند. در تعداد آن شروط، که سه یا پنج است، اختلاف است. مقدمات حکمت عبارت است از: ۱. گوینده در مقام بیان باشد، ۲. قرینه‌ای در کار نباشد، ۳. امکان اطلاق و تقیید وجود داشته باشد، ۴. انصراف وجود نداشته باشد، ۵. قدر متیقن در مقام مخاطب وجود نداشته باشد. (آخوند خراسانی، بی‌تا، ص ۲۴۷)

مردم متبادر می‌شود، انصراف به آبی داشته باشد که از رودخانه مرسوم فرات در عراق گرفته شده است. تبادر و انصراف موجود در اذهان، آب‌های رود فرات در ترکیه، سوریه و... را دربر نمی‌گیرد؛ اگرچه به لحاظ جغرافیایی و در معنای عام کلمه به سرمنشاء آن در سوریه و ترکیه نیز فرات اطلاق می‌شود؛ در نتیجه این تبادر و انصراف مانع اطلاق‌گیری لفظ فرات می‌شود. شیوه استعمال کلمه «فرات» در روایات نیز دال بر همین تبادر و انصراف است؛ زیرا:

۱. سیره موجود از معصومین علیهم‌السلام در خصوص آب فرات است. امام صادق علیه‌السلام وقتی به کوفه رسیدند سراغ آب فرات رفتند. عبدالله بن سلیمان می‌گوید:

«زمانی که امام صادق علیه‌السلام در زمان بنی‌العباس وارد کوفه شدند، سوار بر مرکب و با لباس سفرشان بر پل شهر کوفه رسیدند. سپس به غلامشان فرمودند به من از آب فرات بده. غلام نیز کوزه را گرفت و برای حضرت پر کرد. پس نوشیدند و آب از لب‌ها و محاسن حضرت جاری شد و بر لباس ایشان ریخت. باز هم درخواست آب کردند و بار دیگر نوشیدند و خداوند را حمد کردند...». (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۴۸)

۲. در روایتی که در فضیلت آب فرات وارد شده است، نام این رود کنار شهر کوفه و نجف آمده است.

امام صادق علیه‌السلام درباره آیه شریفه **﴿وَأَوْثِنَاهُمَا إِلَىٰ رُبُوعَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ﴾**^۱، فرمودند: «منظور از «رُبُوعَةٍ» شهر نجف در کوفه است و مقصود از «مَعِينٍ» رود فرات است». (همانجا)

۳. در روایاتی که سخن از زیارت امام حسین علیه‌السلام آمده، به غسل کردن در آب فرات توصیه شده است. این مطلب نیز می‌تواند با توجه به قرآینی که در روایت آمده است، مانند نزد قبر امام حسین علیه‌السلام، مؤیدی بر خصوص رود فراتی است که معصومین علیهم‌السلام

۱. «وما آن دورا پناهشان دادیم در ربوه، که دارای ثبات و گواراست».

اراده کرده‌اند بر قبر مطهر امام حسین علیه السلام باشد. روایات متعددی در همین خصوص وارد شده است؛ از جمله امام صادق علیه السلام فرمودند: «زمانی که نزد قبر امام حسین علیه السلام رفتی، پس به فرات برو و در آنجا مقابل قبر غسل کن و آن‌گاه به سوی حضرت مشرف شو». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۴۳۲)

۴. حضرت صادق علیه السلام ویژگی‌های رود فرات در آخرالزمان را چنین بیان فرمودند: «در سال فتح (قیام امام زمان علیه السلام)، آب فرات طغیان خواهد کرد و در کوجه‌های کوفه خواهد ریخت». (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۸۶)

از قرائن موجود در روایت که حضرت صادق علیه السلام آب فرات و شهر کوفه را کنار هم آورده‌اند، انصراف از رود فرات به معنای عام و ارتکاز و ناظر بودن بر فرات عراق را تقویت می‌کند. پرسش دیگری که ممکن است مطرح شود این است که آیا فرات رودهای دیگری مانند نهر نینوا، نهر غازانی، نهر سلیمانیه و سایر نهرهایی که از این رود سرچشمه می‌گیرند را نیز شامل می‌شود؟

به نظر می‌آید رودهای منشعب از فرات تا زمانی که با نهر دیگری مخلوط نشده باشد، تبادل عرفی آن را از رود فرات جدا ندانسته و آب فرات به آن اطلاق می‌شود. مؤید ما در این مسئله موقعیت جغرافیایی شهر مقدس کربلا است؛ با اینکه رود اصلی فرات از حدود ۳۵ کیلومتری کربلا (مسیب) عبور می‌کند و وارد این شهر نمی‌شود، اما مشهور است که نام رودی که در واقعه عاشورا نزدیک محل توقف حضرت اباعبدالله علیه السلام و اصحاب در کربلا وجود داشته فرات بوده است.

قرینه نگارندگان در این روایت شریفه عبارت «اغتسل بحیال قبره»^۱ است. معلوم می‌شود نهری که امام صادق علیه السلام از آن یاد می‌کنند، رودی نزدیک قبر مطهر سیدالشهدا علیه السلام

۱ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَتِ الْفُرَاتَ، وَاغْتَسِلْ بِحِيَالِ قَبْرِهِ وَتَوَجَّهْ إِلَيْهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۴۳۲)

است؛ درحالی که رود اصلی فرات از کربلا عبور نمی‌کند.

اصل عملی نیز همین مبنای اخیر (رود فرات تا زمانی که با نهر دیگری مخلوط نشده باشد) را تأیید می‌کند؛ برای مثال هرگاه مکلف نذر یا عهد کند یا قسم بخورد که در آب فرات غسل کند و برای ادای تکلیف با آبی غیر از رود فرات موجود در کشور عراق یا آب فراتی که با آب نهری دیگر مخلوط شده باشد، غسل کند. مثلاً با آب رود فراتی که در کشور ترکیه یا سوریه است یا با آب رود فراتی که با نهر دیگری مخلوط شده باشد غسل کند شک می‌کند که آیا تکلیفی را که بر عهده او بوده انجام داده است! در اینجا اصل عملی اشتغال می‌گوید وقتی مکلف در ادای تکلیف خود با انجام دادن چنین کاری شک کرد، این عمل باعث ابراء ذمه او نمی‌شود. فقط زمانی تکلیفش را ادا کرده که از رود فرات معروف در کشور عراق استفاده کند. آن هم در صورتی که با نهر دیگری مخلوط نشده باشد.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. حائر در زبان عربی به معانی متعددی استعمال شده است. در گذشته حائر به معنای شهر کربلا بوده اما امروزه به منطقه‌ای محدود در اطراف قبر امام حسین علیه السلام گفته می‌شود که در تعیین محدوده آن دو دسته روایت وجود دارد که از نظر مسافت با یکدیگر اختلاف دارند. ممکن است وجه اختلاف مساحت‌ها در این ناحیه بیان فضیلت مکان نزدیک تر به قبر مطهر باشد؛ به این معنا که در صورت دسترسی، محدوده متبرک بیست ذراع و در صورت عدم دسترسی به دلیل ازدحام یا مانند آن، ۲۵ ذراع باشد یا اینکه بگوییم روایات دسته اول در بیان محدوده قبر مطهر امام حسین علیه السلام به اندازه بیست ذراع است که علاوه بر قبر مطهر شامل محل دفن حضرت علی اکبر علیه السلام و گودی قتلگاه نیز می‌شود و روایات دسته دوم در بیان حریم و محدوده اطراف قبر (که باید رعایت آداب زیارت از آنجا شروع شود) تا فاصله ۲۵ ذراع است؛ چه دسترسی ممکن

باشد و چه ممکن نباشد.

۲. بنا بر شواهد تاریخی محل حائرا مروزی نسبت به گذشته تغییری نکرده و اندازه آن ۱۰ الی ۱۲٫۵ متر از چهار طرف قبر مطهر است.

۳. حرم، محلی است که دارای حریم و احترام خاص است. بنابراین اطراف قبور مطهر اهل بیت علیهم السلام یا امامزادگان و افراد واجب الإحترام را نیز به این جهت حرم می‌گویند که دارای احترام و آداب خاص است. درباره قبر مطهر امام حسین علیه السلام نیز روایات به طور ویژه از محلی به عنوان حرم یاد کرده‌اند که این محل، با وسعتی زیاد (حدود هفتاد ذراع) شامل حکم‌های شرعی حائرا حسینی - مانند تمام خواندن نماز در حدیث و فقه - نمی‌شود.

۴. قبه به معنای سایه بان است. روایات در خصوص قبه سیدالشهدا علیه السلام بر محدوده اطراف قبر مطهر حمل می‌شود که اندازه‌ای کمتر از حائرا دارد.

۵. رود فرات از کشور ترکیه سرچشمه گرفته، پس از گذر از سوریه از عراق عبور می‌کند و به خلیج فارس می‌ریزد. منظور از فرات در روایات قسمتی از رود فرات است که از عراق می‌گذرد.

۶. نهرین کربلا، علقمّی، نینوا، نهر غازانی و نهر سلیمانیه تا زمانی که تبادر و انصراف، آنها را از فرات جدا نکرده باشد و به آن آب فرات اطلاق شود، شامل فضائل رود فرات است.

با مشخص شدن محدوده این اماکن خاص امکان جمع بین روایات در این زمینه فراهم می‌شود و مکلفین و زوار درک کمی روشنی از این محدوده‌ها خواهند داشت. مطالب فوق درباره تعیین حدود شرعی قبه، حائرو حرم را می‌توان در شکل زیر خلاصه کرد:

رنگ زرد، موقعیت مکانی قبه که محدوده آن کمتر از حائراست و به لحاظ کمی

اندازه دقیق آن مشخص نیست.

رنگ آبی، موقعیت مکانی حائر حسینی ۱۰ الی ۱۲/۵ متر از قبر مطهر امام حسین علیه السلام است.

رنگ بنفش، موقعیت مکانی حرم حسینی تا هفتاد ذراع (حدود ۳۵ متر) پیرامون قبر مطهر است.

فهرست منابع

۱. ابن اخوة، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). معالم القربة فى طلب الحسبة، نجف اشرف، دارالمرتضويه، چاپ پنجم.
۲. ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى، قم، دفتر انتشارات اسلامى، چاپ دوم، جلد اول.
۳. ابن جوزى، عبدالرحمان بن على (۱۴۱۲ق). المنتظم فى تاريخ الأمم والملوك، بيروت، دارالكتب العلميه، چاپ اول، جلد يازدهم.
۴. ابن سيده، على بن اسماعيل (۱۴۱۲ق). المحكم و المحيط الأعظم، تحقيق احمد موحدى قمى، بى جا، دارالكتب الاسلاميه، چاپ اول، جلد ششم.
۵. ابن قولويه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ق). كامل الزيارات، نجف اشرف، دارالمرتضويه، چاپ اول.
۶. ابن مشهدى، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق). المزار الكبير، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول.
۷. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بيروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، دار صادر، چاپ سوم، جلد يازدهم.
۸. بويعلی، حسين بن فزّاء (۱۴۰۳ق). الأحكام السلطانية، محمد حامد فقى، بيروت، چاپ دوم.
۹. ازهرى، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). تهذيب اللغة، بيروت، دار احياء التراث العربى، چاپ اول، جلد هشتم.
۱۰. آل طعمه، سلمان هادى (۱۹۹۸م). كريلأ فى الذاكرة، بغداد، مطبعة العانى، چاپ اول.
۱۱. حائرى، سيدعلى بن محمد (۱۴۱۸ق). رياض المسائل، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، جلد چهارم.
۱۲. حسینی، داود (۱۳۹۹ش). «حائز حسینی واحكام آن»، فصلنامه فرهنگ زیارت، دوره ۱۱، اسفند ۱۳۹۹، ص ۴۸-۱۹.
۱۳. حکيم، سيد محمد سعيد (۱۴۳۴ق). المحكم فى الاصول، قم، دارالهلال، چاپ اول، جلد اول.
۱۴. حموى، ياقوت بن عبدالله (۱۹۹۵م). معجم البلدان، بيروت، دار صادر، چاپ اول، جلد سوم.
۱۵. خراسانى، محمد كاظم (بى تا). كفاية الاصول، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.
۱۶. خمينى، سيد روح الله (۱۳۷۶ش). تحرير الوسيلة، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول، جلد اول.

۱۷. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحديث، قم، مؤسسه الخوئی الاسلامیه، چاپ دوم، جلد اول.
۱۸. ری شهری، محمد (۱۳۹۳ش). دانشنامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، قم، دار الحديث، چاپ هفتم، جلد یازدهم.
۱۹. زبیدی، محمد بن محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح علی شیری، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، جلد سی و یکم.
۲۰. ساجدی، مهدی (۱۴۰۱ش). «امکان سنجی سرایت احکام اماکن مقدس به مقادیر توسعه یافته»، پژوهشنامه حج و زیارت، دوره ۷، آذرماه، ۷-۳۳.
۲۱. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۲ق). الدروس الشرعية فی فقه الامامیه، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، جلد چهارم.
۲۲. صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، جلد چهاردهم.
۲۳. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴ش). ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، جلد هفدهم.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق). اعلام الوری باعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول.
۲۵. طبرسی، محمد بن جریر (۱۴۱۰ق). تاریخ الأمم والملوک، بی تا، بیروت، جلد سوم، هشتم ونهم.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۸ق). الميسوط فی فقه الامامیه، تهران، المكتبة المرتضویه، چاپ سوم، جلد اول.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، جلد ششم.
۲۸. کاشف الغطاء، حسن بن خضر (۱۴۲۰ق). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، قم، بی نا، چاپ اول، جلد اول.
۲۹. کردی، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). التاريخ القويم لمکة وبيت الله الکریم، بیروت، دار خضر للطباعة والنشر، چاپ اول، جلد اول.
۳۰. کلیددار، عبدالجواد (۱۳۸۹ش). تاریخ کربلا و حائر حسینی علیه السلام، مترجم: مسلم صاحبی، بی جا، مشعر، چاپ اول.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). الکافی، تهران، دار الحديث، جلد هشتم.
۳۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار احیاء التراث

فهرست منابع دیجیتالی:

۳۹. نرم افزار درایه النور۳، دانشنامه تخصصی رجال شیعه، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

- العربی، چاپ دوم، جلد پنجم، هشتاد و ششم، نود و هشتم و صدم.
۳۳. مدنی، علی خان بن احمد (۱۳۸۴). الطراز الأول، مشهد، مؤسسه آل البيت عليه السلام لاحیاء التراث، چاپ اول، جلد دوم.
۳۴. مظفر، محمدرضا (۱۳۷۰). اصول الفقه، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ چهارم، جلد اول.
۳۵. مقدس، احسان (۱۳۸۸ ش). راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق، تهران، نشر مشعر، چاپ اول.
۳۶. مهنا، عبدالله علی (۱۴۱۳ ق). لسان اللسان، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، جلد دوم.
۳۷. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت عليه السلام، جلد دهم.
۳۸. یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم (۱۴۱۹ ق). العروة الوثقی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، جلد سوم.

فهرست منابع انگلیسی:

1. -Neuwirth, Angelikea, "Geography", in Encyclopedia of the Quran, GENERAL Editor: Jane Dammen McAuliffe, Brill, leiden-Boston, v.ii, 2002, pp.293-312.

